



خودشان دعوت کردند.

با اینکه در این جلسه همه اعضای کابینه حضور داشتند اما احساس حضرت امام(ره) به رئیس جمهور در نگاه شان کاملاً مشهود بود. فیلم آن جلسه موجود است. همان جلسه ای که امام پس از حادثه خونین کشتار حجاج ایرانی در مکه گفتند اگر از صدام بگذرند از ملک فهد گذشت نمی کنند. حالت احترام خاص امام (ره) به رئیس جمهور کاملاً مشخص بود. چند روز بعد وقتی با میرحسین جلسه‌ای داشتم به او گفتم: «امام خیلی به آقای رئیس جمهور علاقه دارند. طرز رفتار امام به رئیس جمهور را دیدید؟» میرحسین گفت: «تو منو با آقای خامنه ای مقایسه می کنی. امام برای ایشان احترام و شأن زیادی قائل است که با ما قابل مقایسه نیست.» یعنی تمام تلاش ما این بود که در دولت یکدلی و همراهی ایجاد شود. متأسفانه عده ای به حرف زدن پشت سر دیگران توجهی ندارند و نمی دانند که این کارها در سطوح بالاتر تعبات منفی زیادی دارد. یادم هست زمانی که در دولت سازندگی قائم مقام وزیر جهاد سازندگی بودم، یک بار به آقای فروزش وزیر جهاد گفتم: «آقای فروزش مطمئن باشید من مثل کبریت زنجان، بی خطر هستم.» ایشان خندید زیرا سال‌ها در کابینه با هم کار کرده و شناخت خوبی از هم داشتیم. من این حرف‌ها را از این جهت می‌دم که مطلع می‌شدم عده ای به دروغ به نقل از من علیه ایشان در جاهای مختلف حرف می‌زدند تا از این طریق ایشان را نسبت به من حساس کنند.

آقای دکتر! در مورد

درگیری‌های آن زمان در کابینه اظهارات زیاد و متفاوتی هست. «در دولت دو طیف وجود داشتند. عده‌ای با میرحسین عده‌ای با رئیس جمهور همراه بودند.» این جمله به نقل از یکی از مقامات دولت دوازدهم است. در مورد زمان و موضوع این اختلافات، جنابعالی معتقدید مسأله چندانی نبود و بیشتر مسائل جنبه سیاسی داشت. در این مورد توضیح دیگری دارید؟

نه فقط باید بگویم از وقتی من با پیشنهاد نخست وزیر و پذیرش رئیس جمهور با رأی اعتماد مجلس وارد دولت شدم، به اقتضای کارم با میرحسین جلسه داشته و با هم هماهنگ بودیم. از طرفی به طور منظم خدمت رئیس جمهوری می‌رفتم. یعنی تلاش من این بود که نقش تأمین کننده بیش از پیش هماهنگی و همراهی این دو مقام مسئول را داشته باشم.

این روش شما بود یا همه

کابینه همین‌طور بودند؟ البته اغلب اعضای دولت با شدت و ضعف، همین گونه عمل می‌کردند. حداقل در حوزه امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی این روحیه حاکم بود. البته یک تناقض کاری ساختاری میان اختیارات نخست وزیر و رئیس جمهور وجود داشت که بعدها همین تناقض ساختاری باعث شد سمت نخست‌وزیر از ساختار مدیریت کلان کشور حذف و سمت معاون اول رئیس جمهور جایگزین شود.

یعنی کابینه دو طیف نبود؟

در برخی موارد و موضوعات رویکردهای متفاوتی وجود داشت که در ارتقای سطح تصمیم‌گیری‌ها می‌توانست اثر مثبتی داشته باشد.

اتفاقاً گفته می‌شود در سال

۶۶-۶۵ این طیف‌گرایی بیشتر شده بود.

شاید موقع انتخاب نخست‌وزیر این‌طور بود. اما بعدها در کابینه تغییراتی به وجود آمد و این مسائل کم‌رنگ شد. به نظر من این اختلاف‌نظرها و دسته‌بندی‌ها قابل تحمل بود. دو گرایش وجود داشت. مثلاً آقای نبوی یا آقای محتشمی‌پور به میرحسین گرایش بیشتری داشتند. من یا آیت‌الله‌ری شهری به رئیس جمهور بیشتر گرایش داشتیم. اما نمی‌توانم بگویم آقای ری شهری به میرحسین کم توجهی می‌کرد. یا حتی خود من در آن زمان بیشترین هماهنگی را با میرحسین داشتم و ایشان قویاً از دیدگاه‌ها و برنامه‌های اقتصادی من دفاع می‌کرد.

یعنی معتقدید میرحسین

بعضی از مسائل را قبول

نداشت یا...

بله. به هر حال موسوی فرد حساسی بود و در رابطه با لیبرالیسم اقتصادی اصلاً آن را قبول نداشت.

نخست‌وزیر به نظرات

کدام یک از افراد اقتصادی کابینه غیر از مرحوم عالی‌نسب اعتماد داشت؟ جایی می‌خواندم: وی در ابتدا به روغنی زنجانی اعتماد زیادی داشت اما گویا در سال‌های پایانی جنگ بعد از سال ۶۶ به دلیل رخ دادن مسائلی آن اعتماد سابق را به روغنی زنجانی هم نداشت.

اینکه وی به چه کسی بیشتر اعتماد داشت قطعاً خودش می‌داند نه من. من برداشت خودم را می‌گویم. یک بار بین وزارت اقتصاد و برنامه و بودجه اختلاف نظر به وجود آمد. ماجرا از این قرار بود که در جلسه ویژه ستاد بودجه در حضور نخست‌وزیر من گفتم اختصاص نیم درصد وصولی مالیات‌ها به وزارت اقتصاد به یک درصد افزایش در جلسه دولت تصویب شد ولی آقای روغنی می‌گفت: «چنین چیزی تصویب نشده است.» من پیشنهاد کردم نوار جلسه را پیاده کنید و میرحسین از دبیر دولت خواست این کار را انجام دهد. نهایتاً معلوم شد ادعای من درست است. حتی یک بار در جلسه‌ای در مورد سازمان امور استخدایم وقتی بین من و یکی از همکاران چنین اتفاقی افتاد، من خواستار پیاده کردن نوار جلسه شدم. یادم هست آقای مهاجرانی معاون حقوقی و پارلمانی دولت بعد از شنیدن مجدد نوار به اتاق جلسه آمد و گفت: «ایروانی درست می‌گوید.» لذا به نظرم عملکرد و اعتماد موسوی به افراد بیشتر بر اساس مستندات و تجربیات بود و من شخصاً بی‌اعتمادی از وی به اعضای کابینه ندیدم. ضمن اینکه این اعتماد دوطرفه بود. در مورد بودجه، برخی اوقات در چاپ آن یا برداشت از مذاکرات جلسه هیأت دولت، عدم انطباق‌هایی پیش می‌آمد و وزرا اگر اعتراضی داشتند، ایشان برای حکمیت و بررسی مجدد مذاکرات انجام شده در جلسات هیأتی را متشکل از اینجانب، آقای زنجانی، آقای قاسمی و دبیر هیأت زیر نظر خودشان تشکیل می‌دادند و با بررسی نوار مذاکرات رفع اختلاف می‌کردند. مثلاً بارها اتفاق می‌افتاد که نخست‌وزیر ساعت یک شب (بامداد) موضوعی را ارجاع می‌داد که ما ساعت ۲ شب دستور بررسی یا بسته به مورد، اجرای آن را ابلاغ می‌کردیم و ساعت ۲

بامداد رونوشت دستور را برای نخست‌وزیر نمابر می‌کردیم. آن زمان من خیلی فعال بودم و استراحت کمی می‌کردم و همواره تا پاسی از نیمه شب کار می‌کردم. پیرمردی که ماشین نویسی دفترم بود بسیار منضبط بود و همیشه منتظرمی‌شد تا من به خانه بروم و او بعد از من دفتر کار را ترک می‌کرد. به ایشان می‌گفتم زودتر برود، می‌گفت: زشت است زودتر از وزیر محل کار را ترک کنم شاید کار فوری پیش آید. به هر حال برای نخست‌وزیر جالب بود، دستوری که می‌توانست فردا یا حتی دو هفته بعد اجرا شود بعد از گذشت یک ساعت از ابلاغ برای بررسی ارجاع و یا تصمیم‌گیری و اجرا پاسخ داده می‌شد. به هر حال این مسائل اعتمادآفرین بود. اجازه بدهید خاطره دیگری از رفتار موسوی با وزرایش برایتان بگویم. یادم هست بر سر موضوعی، گروهی در دولت می‌خواستند اقدامات وزیر مسکن را زیر سؤال ببرند. آن زمان (مرحوم) مهندس کارزونی که از لحاظ دیدگاهی جناح راست محسوب می‌شد وزیر مسکن و شهرسازی بودند.

من نگاهم هرگز باندی و جناحی نبود و همیشه بنا بر موضوع نظر و نگاهم را بیان می‌کردم. در موضوع مسکن برخلاف جناح مقابل ایشان در کابینه، من به شدت از روش و عملکرد مرحوم کارزونی حمایت کرده و گفتم: «مشکل مسکن به خاطر عدم پرداخت تسهیلات مسکن از سوی سیستم بانکی است، زیرا سند اوراق زمین شهری را که در حکم اسناد مالکیت بود، بانک‌ها به وثیقه نمی‌گرفتند و بخش مسکن قفل شده است و مقصر اصلی سیستم بانکی کشور می‌باشد.» بعد از من نیز آقای موسوی به شدت از مرحوم کارزونی دفاع کردند. چند روز بعد، وقتی در جلسه‌ای با میرحسین تنها بودم به وی گفتم: «خوب از آقای کارزونی دفاع کردید.» وی در پاسخ گفت: «اجازه نمی‌دهم وزیر من مظلوم واقع شود.»

آن موقع بود که فهمیدم با اینکه از لحاظ تفکرات اقتصادی با مرحوم کارزونی کاملاً اختلاف نظر داشتند، اما با توضیحات کارشناسی که داده شد از وزیر خود حمایت می‌کرد. البته در موضوع وام‌های مسکن بعداً با اصلاح ضوابط بانکی در قبال اوراق زمین شهری بانک‌ها شروع به اعطای تسهیلات کردند.

میرحسین دارای چه نوع

تفکر اقتصادی بود؟

نه‌ادگر بود تا طرفدار تمرکز ثروت در دست یک گروه خاص.

به تفکرات اقتصادی رئیس

جمهور نزدیک بود؟

بله. رئیس جمهور به تولید و وضعیت معیشتی جامعه توجه ویژه‌ای داشتند. ایشان شکوفایی اقتصاد کشور را از مسیر رونق تولید می‌دانستند و نه صرفاً دولتی کردن همه‌امور. منتها آن زمان، کسانی که به چپ معروف بودند (به چپ‌گرا بودن متهم بودند) گفته می‌شد به تولید توجهی ندارند و «شما دارید فقرا را توزیع می‌کنید...» البته لیبرال‌ها خودشان به تولید و اصولاً هر سیاستگذاری برای حمایت از تولید و طرف عرضه توجهی نداشته و نگاه خنثی دارند ولی در زمانی که من مسئولیت گرفتم به شدت سیستم بانکی موظف به حمایت از تولید شد و سیاست‌های تجاری در راستای حمایت از تولید قرار گرفت، وگرنه آن موقع تأمین مالی تولید به خوبی صورت می‌گرفت و کارهای زیربنایی زیادی انجام شد. آن موقع، هم نخست‌وزیر و هم آقای رئیس جمهور با این مسائل موافق بودند. این را بگویم که لیبرال‌ها بیشتر به ماندن در مسند قدرت علاقه داشتند تا بیان صریح دیدگاه‌ها، لذا در دولت‌های چپ و راست و وسط همواره حضور داشتند و برخلاف نام لیبرال یعنی آزادی‌خواه، اقتدارگرا به نظر می‌رسند.

شما گفتید بعضی وقت‌ها

ممکن بود چند نفر در جلسه هیأت دولت با هم هماهنگ



بش

بانک‌ها موظف به حمایت از تولید بودند

زمانی که من مسئولیت گرفتم به شدت سیستم بانکی موظف به حمایت از تولید شد و سیاست‌های تجاری در راستای حمایت از تولید قرار گرفت، وگرنه آن موقع تأمین مالی تولید به خوبی صورت می‌گرفت و کارهای زیربنایی زیادی انجام شد. آن موقع، هم نخست‌وزیر و هم آقای رئیس جمهور با این مسائل موافق بودند. این را بگویم که لیبرال‌ها بیشتر به ماندن در مسند قدرت علاقه داشتند تا بیان صریح دیدگاه‌ها. لذا در دولت‌های چپ و راست و وسط همواره حضور داشتند و برخلاف نام لیبرال یعنی آزادی‌خواه، اقتدارگرا به نظر می‌رسند.

می‌کردند و در مورد یک

موضوع خاص موضعی واحد

می‌گرفتند. نمونه‌ای از این

مسأله به ذهن‌تان می‌رسد؟

عموماً اجازه نمی‌دادیم دیگران در حوزه ما ورود غیرمنطقی کنند. بعداً شنیدیم که نبوی گفته بود: «ایروانی آمده و در جناح چپ در دولت انشقاق ایجاد کرده است.» نبوی می‌خواست با اقداماتی مظلوم‌نمایی کند. به هر حال نبوی طرفدار ورود پژو به ایران بود و حرف و حدیث‌هایی هم مطرح بود. از طرفی، آن روزها بحث ساخت خودروی ملی نیز مطرح بود و تعدادی از اعضای کابینه مثل فروزش، فرهادی، محتشمی، قاسمی، میرزاده و من و مهندس امانپور معاونت تحقیقات جهاد سازندگی تأکید به تولید خودروی ملی داشتیم ولی نبوی مخالفت می‌کرد. این موضوع خیلی جالش برانگیز شد، اما روش رئیس دولت در همه موارد این بود که وزیرش مظلوم واقع نشود.



نبوی می‌خواست با

اقداماتی مظلوم‌نمایی

کند. به هر حال نبوی

طرفدار ورود پژو به ایران

بود و حرف و حدیث‌هایی

هم مطرح بود. از طرفی،

آن روزها بحث ساخت

خودرویی ملی نیز مطرح

بود و تعدادی از اعضای

کابینه مثل فروزش،

فرهادی، محتشمی،

قاسمی، میرزاده و

من و مهندس امانپور

معاونت تحقیقات جهاد

سازندگی تأکید به تولید

خودرویی ملی داشتیم

ولی نبوی مخالفت

می‌کرد. این موضوع خیلی

چالش برانگیز شد، اما

روش رئیس دولت در همه

موارد این بود که وزیرش

مظلوم واقع نشود

مختلف کشور نبود و از طریق تلفن، نامه و... هم با مردم ارتباط داشت. با این تفاسیل به نظر من کردیور ورودی اطلاعات به سیستمش خوب بود، لذا درک مناسبی از شرایط جامعه داشت. اما اینکه به هنر علاقه داشت، بله. در سخنان و رفتارهای موسوی این علاقه مشهود بود. شاید این حرف این عضو کابینه که موسوی را فردی بی‌توجه به اعداد و ارقام می‌داند نشأت گرفته از سال ۱۳۶۵ است. در آن سال یکباره درآمد‌های ارزی کشور بشدت کاهش یافت. روغنی زنجانی در یکی از جلسات هیأت دولت که رئیس جمهور و رئیس مجلس نیز در آن حضور داشت، گفته بود: «دولت برای پرداخت حقوق کارکنان فقط تا مرداد ماه پول دارد و پس از آن نمی‌توانیم حقوق‌ها را پرداخت کنیم.» زنجانی آن موقع با اعلام اعداد و ارقام، شرایط را کاملاً بحرانی اعلام کرد. به همین دلیل جلسه‌ای در وزارت اقتصاد برگزار کردیم تا وضعیت مالی کشور را بررسی کنیم.

جالب این بود، وقتی جلسه برگزار شد و وضعیت به صورت واقعی تحلیل و بررسی شد، به این نتیجه رسیدیم که با افزایش تنخواه‌گردان خزانه به راحتی می‌شود این مشکل را حل کرد. اگر آخر سال نیز مشکلی پیش آمد آن وقت بودجه را اصلاح می‌کنیم. حالا اگر نخست‌وزیر یا هیأت دولت در جلسه‌ای که با حضور رئیس جمهور و رئیس مجلس تشکیل شد این پیشنهاد زیرکانه و با کمترین تعبات پذیرفته‌اند، دلیلی بر بی‌توجهی آنان بر اعداد و ارقام نیست. ضمن اینکه در نظر داشته باشید در طول تاریخ، اقتصاد اکثر کشورها در زمان جنگ‌های فراگیر کاملاً از بین رفته و پول ملی‌شان نابود شده است که خوشبختانه در ایران چنین اتفاقی نیفتاد. از سال ۱۳۵۹ یک جنگ جهانی اعلام نشده ولی عملی علیه ایران رخ داد که اتفاقاً همان جنگ باعث واکنش‌ناپذیری ایران در بسیاری از چالش‌ها شد. در حالی که امروز تمام منطقه درگیر است ایران به واسطه ۸ سال دفاع مقدس جانانه و ضربه سختی که به غرب و دشمنان ایران زد، امروز دارای ثبات و امنیت بسیار بالاست. جنگ شباهت زیادی به بازی بوکس دارد. هم در جنگ و هم در مبارزه بوکس کسی که بیشتر مقاومت کند پیروز خواهد شد.

در مورد میرحسین نیز من کم‌حوصلگی یابی‌توجهی خاصی از او ندیدم. موسوی با توجه به انبوه اطلاعات و گزارش‌های ادواری و غیرادواری و جلسات حضوری و... که اعضای دولت با او داشتند از شرایط کشور اطلاع کامل داشت و متناسب با شرایط واکنش نشان می‌داد، البته شاید روی برخی از موضوعات نظر داشت و در مقابل اجرای برخی از مسائل مقاومت می‌کرد ولی با کابینه حرکت می‌کرد. به هر حال خود من هم به عنوان مدیر، اگر کسی خواهد نظری را به من تحمیل کند قطعاً مقاومت خواهم کرد. مهندس موسوی نیز از این قاعده مستثنی نبود، اما اینکه وی اشعار مولوی و حافظ بخواند را به هیچ وجه قبول ندارم. با توجه به اینکه تقریباً منظم‌ترین فرد در کابینه بودم و در تمامی جلسات دولت شرکت می‌کردم لذا از تشویق میرحسین به اعضای کابینه برای خواندن مولوی و حافظ حتی یک بار هم ندیدم و نشنیدم. اینکه خودش هم یک بار در یک جلسه رسمی، حافظ و مولوی بخواند خبری نبود. ضمن اینکه استفاده و استناد به ادبیات غنی فارسی نمی‌تواند هیچ‌گونه استبعادی با نظم منطقی سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها داشته باشد.

(من) وزیر اقتصاد شده است. وقتی مرحوم آیت‌الله لوانسانی این را برای پدرم تعریف می‌کند پدرم احوال امام را می‌پرسد و جواب می‌دهد دیدار با حضرت امام(ره) سهل نیست و در مورد وزیر اقتصاد شدن پرسش جواب می‌دهد به امام بگویند محمد جواد قبل از اینکه پسر من باشد پسر امام و فدایی‌ی شما است. این مطالب را پدرم نقل کرد.

گفتید عده‌ای سعی

داشتند رابطه بین رئیس

جمهور و نخست‌وزیر را به هم

بزنند. ایراد چه کسانی و

بیشتر از چه طیفی بودند. به

نظراتان هدف‌شان چه بود؟

بالاخره این افراد بیشتر بر تفریق دیدگاه‌ها تکیه می‌کردند. البته در مقابل این افراد، ما نیز در جلسات خصوصی وقتی می‌دیدیم آقای رئیس جمهور از نخست‌وزیر و زحمات دولت تقدیر می‌کند، به میرحسین منعکس می‌کردیم و برعکس. در این بین مبالغه نمی‌کردیم. یک بار وقتی با اعضای هیأت دولت خدمت امام(ره) رفته بودیم، وقتی جلسه تمام شد و امام می‌خواستند از اتاق خارج شوند، یک نگاه خاص و صمیمانه ای به آیت‌الله خامنه‌ای کردند و ایشان را به داخل اتاق